

نقش‌های عامیانه ایرانی

خانم نوشین نفیسی

شادروان هانری ماسه از ایران‌شناسان نسل گذشته‌تها کسی است که علاوه بر آشنائی کامل با ادب فارسی بخلقیات و هنرهای عامیانه ایرانیان نیز توجه بسیار داشت. کتاب اعتقاد و عادات ایرانیان، Croyances et coutumes Persanes، Paris 1938 حاصل نخستین آشنائی نزدیک و دلبستگی او ب مردم این سرزمین بود. پس از آن در طی نیم قرن کوشش و با انتشار «تمدن ایرانی» و «منتخبات نظم و نثر فارسی» و ده‌ها مقاله کوتاه جهانیان را بیش از پیش با شگفتی‌های تمدن و ادب ایران آشنا کرد ولی هرگز از مردم بازار و روستاها نیز غافل نشد و یکی از آخرین کارهای او در این زمینه مقاله‌ای بعنوان: Imagerie populaire de l'Iran است که در مجله آرآزیاتیک جلد پنجم - بخش ۳ - سال ۱۹۶۰ بچاپ رسیده است و ما برای معرفی بیشتر ایران‌شناس بزرگ برگردان فارسی آنرا درج میکنیم.

تصویر ۴۵) - تصویرهای هزارویکشب واقع‌جوئی و تفتن را باهم دربردارد، صحنه زفاف آن جامه و ائانه زنان را بدقت نشان میدهد. در صحنه جنگ سواران که يك داستان قدیمی را مصور میکند سلاحهای جنگجویان مسلمان (تیر و گرز و خود) روح مینیاتورها را زنده میکند و جامه فرنگیان که احتمالاً نقاش از دیدن تابلو یا گراور (ویا ملاقات نمایندگان سیاسی) خارجی الهام گرفته است در برابر آن قرار دارد؛ اما درباره اسب سحرآمیز که در بالاسر لشکریان پرواز میکند به مینیاتوریکه حضرت محمد را سوار بر براق در حال معراج نشان میدهد میاندیشم (پوپ - نقش ۸۹۷) - و همچنین کوه و ابرها نیز بی‌شبهت با آنچه که در مینیاتورهای قدیمی آمده است نمیباشد.

نسخه‌های خطی کتابهای تجملی هستند که تنها در کتابخانه‌ها نگهداری میشود ولی این کتابهای کوچک عامیانه که کم و بیش به چاپ سنگی شده و با تصویرهایی مصور است و دوره گردان

در قرن نوزدهم میلادی در ایران برای انتشار چند روزنامه چاپخانه‌ای تأسیس کردند که در واقع دستگاه چاپ سنگی (لیتوگرافی) بود تا آخرین سالهای قرن این روش برای چاپ روزنامه نشریات عامیانه و متن‌های ادبی و علمی بکار میرفت. برخی از این کتابها که بدقت لیتوگرافی شده با هنرهای عامیانه ایران بستگی دارد چه گروهی از سازندگان تصویرهای آنها خصوصاً میرزا حسین از خلیقات معاصران خود الهام میگرفتند. برای مثال چاپ زیبای هزارویکشب (۱۲۷۳) مجموعه ضرب - المثلها (۱۲۷۳) و اسکندرنامه منظوم (۱۲۷۴) داستان امیر حمزه (۱۲۷۵) و تعلیم نوآموزان (۱۲۹۳)^۱ را نام میبرم. این تجدیدطلبی گرچه بازمانده کم و بیش روشن آنچه را که میخواهد نشان دهد رد نمیکند بلکه آنها را تأیید نیز نمیکند. مشاهده واقع‌جوئی و ظرافت خطوط چهره‌های شاگردان و معلم و نظم مجلس که صفحه مقدمه کتاب «تعلیم نوآموزان» مصور کرده است مجالس مینیاتورهای قدیمی و صحنه شاهزاده و درباریان را بخاطر میآورد (نمونه - پوپ - بررسی هنر ایران نقشه ۸۷۰ و ۹۹۷ و مینیاتورهای کتابخانه سلطنتی ایران - یونسکو - ص ۲۴ و ۲۷ - ساکیسیان - مینیاتورهای ایرانی

۱ - مترجم چون دسترسی باصل این جزوه هانداشت عنوان و تاریخ آنها را معادل آنچه پروفیسور ماسه بفرانسه و سنه میلادی آورده انتخاب کرده است.



پروفیسور ہانزی ماسہ و استاد سعید نفیسی .

ولی درباره نقش سازی غیرمذهبی مدارکی درمجموعه کتابهای کوچکی که بر حسب موضوع آنها را میتوان بچندگروه تقسیم کرد دیده میشود: ماجراهای قهرمانی خیالی (زریر و خزای ۱۲۶۶) - (خسرو دیوزاد ۱۲۷۳) - (داستانهای رستم چاپ ۱۲۷۳) - داستانهای اخلاقی (زاهدولوطی چاپ ۱۲۷۵) - داستانهای فکاهی (جولاه و نجار چاپ ۱۲۷۵) - (خاله سوسکه سلیم جواهری و چهار درویش بی تاریخ چاپ) - داستانهای عاشقانه (ورقا و گلشاه - ۱۲۸۲ و غیره) - داستان حیوانات (موش و گر به - ۱۲۹۸) - حکایت رویاه (۱۳۰۱) - (گرگ و رویاه بدون تاریخ چاپ) برای این گروه نوعی ادبیات که در اروپای قرون وسطی مرسوم بوده و در ایران همیشه رواج داشته است نیز باید افزود مناظره که در طی آن دو حیوان یا دو چیز (پرچم و پرده - کمان و چوب چوگان و غیره) در حال رقابت درآمده و هریک بزبان کم و بیش شاعرانه امتیازات خود را می شمارد - جزوه کوچکی بنام کاسه و قلبیان (چاپ ۱۳۰۰) از این گروه است - در این جزوه تصویرهای فراوانی از این دوشیئی است. با بررسی چند نمونه مشخص این جزوه ها به حسب تاریخ باید چند نقشی از آنها بخاطر سپرد - قدیمترین این کتابها

بعبران عرضه میکردند بسیار کم بکتابخانهها راه یافته اند . شمایل های مذهبی نیز در کتابخانهها بسیار کم یاب است . این نقاشی ها را ابتدا لیتوگرافی و سپس رنگ میکردند و هنگام سالگرد وفات اولاد حضرت رسول در معرض دید سوگواران قرار میدادند - میدانیم که پس از مرگ بانی اسلام مسئله خلافت وی جامعه مسلمانان را تجزیه کرد . گروهی خلیفه انتخابی میخواستند و برخی دیگر هوادار خلیفه ای از اولاد (حضرت محمد) بودند یعنی این سمت را ابتدا از آن شخص داماد وی و سپس یکی از پسران او میدانستند که همگی پایان غم انگیزی داشتند ولی شیعیان هوادار آنها در برابر اسلام سنتی ، شریعت و امتی ساختند که تأثیر بسزائی در سرنوشت جهان اسلام داشت . تا قرن شانزدهم میلادی که شیعه گری مذهب رسمی ایران گشت بدین طریق بود که نقاشان کم و بیش نقاشی (که متأسفانه نمونه کار آنها بکلی از میان رفته است) مجالس شهدا را میساختند و هنگام عاشورا در برابر جمعیت قرار میدادند. پس از آن چاپ سنگی شمایل سنتی علی و فرزندان او را (خصوصاً حسین و غیره) در دسترس مردم قرارداد . گرچه عقاید مذهبی راشد بر اساس متن های قابل بحث تصویر سازی را ملعون کرده است .



- ۱- تعلیم نوآموزان .
- ۲- هزار و یکشب .
- ۳- هزار و یکشب .



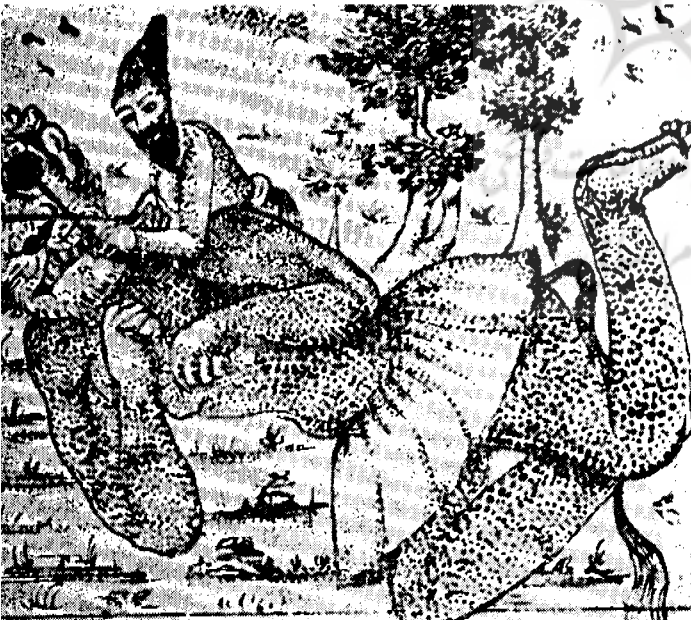
زیر و خزای و یک تصویر آن سواران را نشان میدهد که خود
 بسد دارند و بگرز و شمشیر مسلحند و در طرف دیگر شمایل
 (حضرت محمد) سوار بر براق است که بطرف آسمان میرود -
 پیغمبر نیز بنا بر قراردادهای هنرمندان، شیعه نقاب بر چهره دارد -
 جزوه جالبی است چه در آن تقلید ناشیانه (و احتمالاً همراه
 نفوذ اروپائی در طراحی) مینیاتورهای قدیم دیده میشود -
 و این تقلید در نقش‌های عامیانه کم کم از میان میرود جزوه
 رستم‌نامه - شرح ماجراهای قهرمانی ایران نیز در دست است
 که ربع قرن پس از جزوه فوق می‌آید ۱۲۹۲ - دارای تصویرهایی
 مشابه ولی از نظر فنی و ابداع ضعیفتر از جزوه قبلی است .



۴- اسب سحرآمیز - هزار و یکشب .

۵- دیوها و انسانها - هزار و یکشب .

۶- سلیم جواهری .



از جمله تصویرهای آن مجلس جنگجویانست مردان پیراهن بلند و شلوار و چکمه دیر و کلاه خود بسردارند در میان آنان رستم مجهز به گرز معروف خود که سر گاو دارد نیز دیده میشود واقعه جالبی است که در آن پیغمبری نقاب پوش و چند دیو وحشتناک نیز شرکت دارند - شبیه این مجلس جنگ در جزوه های دیگری چون ورقا و گلشاه (۱۲۸۳) و یک چاپ عامیانه اشعار مکتبی (لیلی و مجنون) و داستان حیدریبگ نیز آمده است . در جزوه آخر، سواران بدوی لباس و سلاح ایرانی در بردارند.

درباره نقش دیو بنظر میرسد که ایرانیان از زمانهای خیلی قدیم یعنی آن هنگام که مذهب باستانی آنها ، جهان سفلی را محل شیطان و ارواح خبیثه میدانست هر گونه تفنی را برای ابداع نقش این موجودات کم و بیش دیوماند آزاد دانسته اند: برخی بشکل حیوانات خیالی (برای مثال جنگ میان انسان و دیوان - هزار و یکشب) پاره ای دیگر بهیئت ملائک (در تصویرهای سلیم جواهری بشکل موجود غول آسای نیم حیوان و نیمه انسان است و بکنوع پولی فم^۴ که انسان او را کور کرده

۲ - نگاه کنید به A. Christensen, *Ersai sur la demonologie Iraniene.*

Polyphème پسر نپتون است که اولیس چشم او را کور کرد .



۷- سلیم جواهری



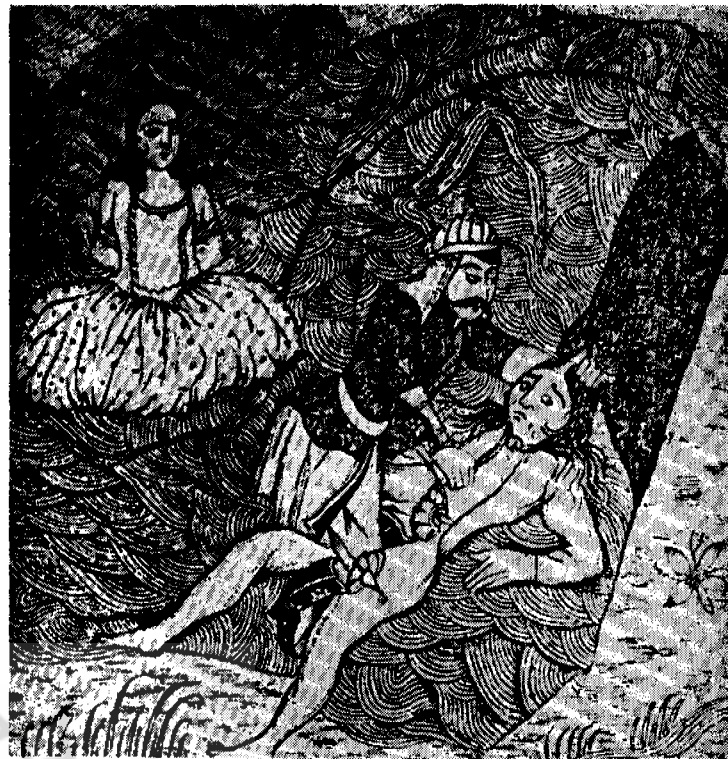
۸- چهار درویش

میکردند بهر اساند - (هانری ماسه اعتقاد و عادات ایرانیان ص ۳۵۲ و شماره ۳) ولی میتوان ازدهائی بالداریکه کتاب چهار درویش را زینت کرده است، تقلید ناشیانه يك مجلس نقاشی شاهنامه فردوسی دانست که زدو خورد انسان و غول را نشان میدهد - بالاخره گروه دیوهائیکه هیئت انسان را دارند در جزوه اسکندرنامه دیده میشود - مؤلف داستان منظوم ناشناس

هنر مردم

است) گاهگاهی بصورت ابلیس شاخدار ابلق است (مقایسه کنید با گروه دیو و حیوانات خیالی که شوستر در کتاب مینیاتورهای ایرانی اسلامی - جلد ۲ - نقشه های ۹۲ - ۱۷۲ و ۱۹۷ آورده است).

گروه دیگر دیوهائیکه در بر دیوار حمامها نقش میکردند تا ارواح خبیثه ای را که در این اماکن گرم و تاریک رفت و آمد



است و در واقع افسانه تغییر مکان داده پرسه^۳ است به هیئت يك جنگجوی عرب در آمده است (مانند تصویر هزار و یکشب) و يك آندرومده^۴ که جامه رقاصان ایرانی را در قرن نوزدهم در بر دارد آزاد میکند - شیوه ساختن قطعه سنگها بی شباهت به برخی از مینیاتورها نیست (نمونه - پوپ - نقشه ۸۵۷ ب - ۸۶۹ - ۸۹۷ - وساکیسیان تصویر ۱۲۷ و چو کین نقاشیهای ایرانی - بورژ ۱۹۳۶ - ص ۱۰۷ - شماره يك و نقشه D III . باین گروه نقش زنان زیبای بالدار «پریان» را نیز باید افزود و در ایران نیز همان نقش فرشتههای غربی را بمعده دارند - (هانزی ماسه اعتقاد و عادات ایرانیان - ص ۳۵۴) يك نسخه داستان خسرو و دیوزاد (۱۲۷۴) تصویرهای متعدد ماهرانه و بکری دارد .

در سلوچ آن که رقم علی دیده میشود نقش شتری که بدن او را چهار زن میسازد و بطرز شگفتی یکدیگر را در بر گرفتهاند - یکی از آنها که بالدار است مانند پریان تاج بر سر داشته و گرز معروف رستم با سرگاو را نیز بردوش دارد . در برگ آخر کتاب تصویر يك سناس است که با تیرو کمان دم

۳ - Perseé قهرمان یونانی پسر زویستر بمنام مجراهایی پادشاه

ترتیب میشود .

۴ - دختر پادشاه حبشه که برای نشان دادن خشم ازدها وی را بجلوی ازدها می بندند، ولی پرسه سوار بر اسب بالدار میرسد و ازدها را کشته و دختر را نجات می دهد .

۹ - اسکندرنامه

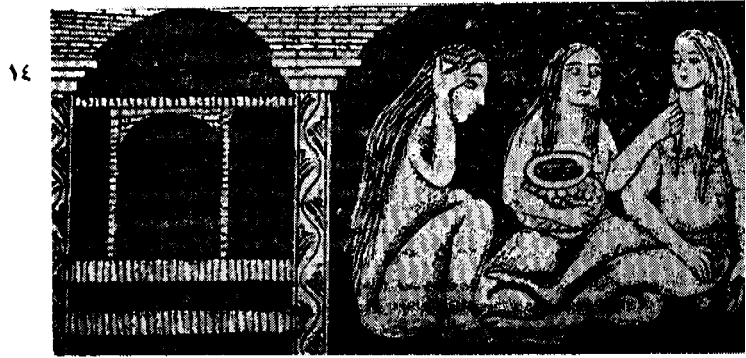
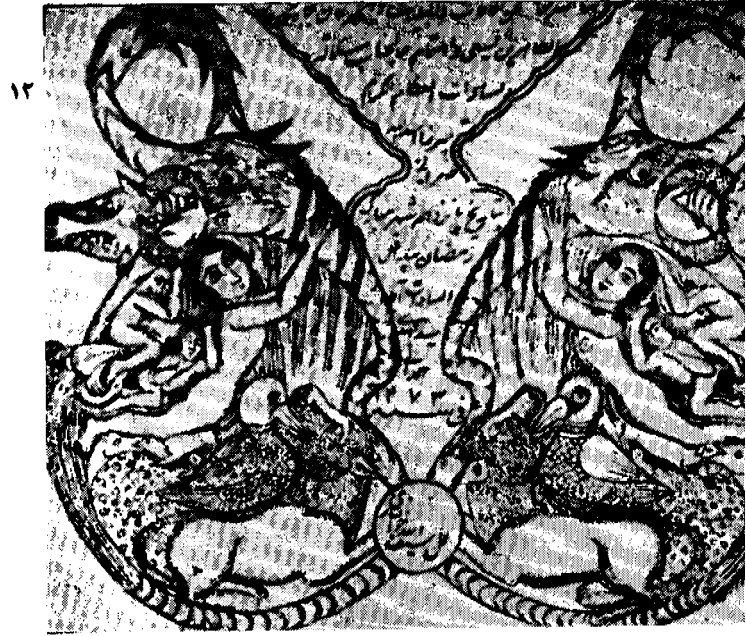
۱۰ - خسرو دیوزاد

۱۱ - خسرو دیوزاد

خودش را که سر ازدهای بالدار است نشان میگیرد .
 این سر لوح مانند سایر نقش‌های مشابه ظاهراً از بازگشت
 به شیوه‌های هند و ایرانی و یا نمونه‌های ایرانی مقدم آن حاصل
 شده است : برای اینکه باین ترکیب‌های بدن زنانه بهتر پی‌بریم
 (طرح تزئینی دوقلو خاتمه اسکندرنامه) به مقاله ژانین او بویاه
 (آراسیاتیک جلد ۲ - بخش ۴ سال ۱۹۵۵ متن و خصوصاً
 تصویرهای ص ۲۶۰ - ۲۶۵) و همچنین نقش فیل در کتاب
 « بلوشه » ، تذهیب نسخه‌های خطی کتابخانه ملی پاریس چاپ
 پاریس ۱۹۲۶ - ص ۱۱۴) باید مراجعه کنیم - اما نقش سناس
 که سر زن و بدن پلنگ دارد (تصویر ۱۱) بی‌شک از یک مینیاتور
 صور افلاک اقتباس شده است . نگاه کنید به نقش کامندار که
 دم او با سر روباه است (کونل - مینیاتورسازی در شرق
 مسلمان . نقشه ۳۴) و مخلوق دیگری که دم او بشکل سر غول
 است (پوپ نقشه ۸۵۳) نقش پلنگ که بالانته انسان دارد بر روی
 ظرف‌های سفالین مینائی (رنه گروسه - تمدن‌های خاورزمین
 ص ۳۱۵ - ۳۱۴) و همچنین مینیاتورها (پوپ - نقشه‌های
 ۶۵۷ - ۶۵۸ - ۶۶۰) قبلاً نیز آمده است .

نقش زن که در طرح تزئینی دوقلو (تصویر ۱۲) آمده
 است مسئله برهنه‌سازی را پیش می‌آورد محققاً در مینیاتورهای
 ایران برهنه کامل بندرت نمایان شده است برای مثال : آدم
 و حوا (پوپ - نقشه ۸۲۳) - شناگران (نقشه ۸۱۵) - آب‌تنی
 ساکیسیان تصویر (۸۹) و همچنین آب‌تنی چینیان (در کتاب
 عجایب المخلوقات - چاپ پاریس ۱۹۴۴ - نقشه‌های ۱۵ و ۱۴)
 را ذکر میکنیم - بطور کلی مردان لااقل یک لنگه در بر دارند
 حتی مجنون در بیابان (مینیاتورهای کتابخانه سلطنتی - یونسکو
 ص ۲۴ - ۲۷ - ساکیسیان تصویر ۷۹) و یا صحنه حمام
 (نمونه‌های متعددی در دست است) .

خسرو نیز هنگامیکه شیرین را در حال آب‌تنی غافلگیر
 میکند بدن شیرین نیمه پوشیده است مبهم نشان داده شده
 (پوپ - نقشه ۸۹۹) فقط در یک نقاشی قرن هجدهم شیوه
 رضاعی است که بدن زن بخوبی نشان داده شده ران و ساقهای
 او را یک روپوش رها شده بسیار شفاف پوشانده است (کونا -
 نقشه ۸۸) . در شباهت این مینیاتور بایک تصویر هزارویک شب
 جای بحث نیست - در این تصویر زبیده بجای شیرین است
 و در برابر چشمان خلیفه بطهارت مشغول است . نشان دادن واضح
 بدن و تنظیم‌های همانندی است . فقط در چاپ سنگی روپوش
 را حذف کرده‌اند . این زنان برهنه بسیار متوسط - در یک نسخه
 مصور کلتوم نه نیز آمده‌اند: صحنه سه زن در حمام . تنها مزیت
 این لیتوگرافی فقط قصد حقیقت‌جویی آنست و این دو تصویر
 تقریباً میان نقش‌های زنان قرن نوزدهم استثنائی است - حتی
 رقاصان و بندبازان این زنان نیز بدنشان در جامه‌های چین‌دار
 منظمی محسوس است یک تصویر لیتوگرافی هزارویکشب





شاهد این مدعا است - تنها مزیت این تصویر ارزش مستندان است. صحنه از داخل خانه (تصویر ۱۶) که در کتاب کلثوم ننه آمده است نیز از نظر رئالیسم و تاریخ لباس گرانبها است. ارزش مستند تنها برتری جزوه های کوچک عامیانه ایست که جدیدترین و ارزش هنری کمتری دارند. در این جزوه ها جامه های (شهری و دهاتی) بدرستی نشان داده شده در حدی که در آثار جدی و فشرده تر نیز نمیتوان یافت از آن جمله داستان عشقی ورقا و گلشاه است (۱۲۸۲) که تصویرهای بسیار دارد یک مجلس آن شاه بر تخت نشسته و سه وزیر او که قبایه های ترمه خاص دربار آن زمان را در بردارند نشان میدهد. در این جزوه نقش جوانی نیز هست که قبای بلند که جلوی آن رویهم آمده دربر دارد و با کمر بند پهنی نگاه داشته میشود و کلاه بلند که ته آن سه گوش است بر سردارد تصویر سنگین زنان که لباس کوچه در بردارند و شانه های خود را در شال بلندی پوشانده اند و شلوارهای چین دار بپا دارند نیز دیده میشود و شبیه آن در جزوه نصایح اطفال چاپ ۱۳۰۰ دیده میشود و در اینجا یکی از زنان دو کرسی می کند.

در داستان چهار درویش نیز خود را در قبای رقه و زنان را بسته در لباسهایشان می بینیم ولی در اینجا بجای شال چادر سیاهی روی سرشان انداخته اند. در جزوه خاله سوسکه که بخط و چاپ بهتری است چند صحنه اخلاقی با ظرافت دید خاصی طرح کرده اند قهرمان داستان که همان شلوار پر چین را

۱۳ - هزار و یکشب زبیده

۱۵ - هزار و یکشب

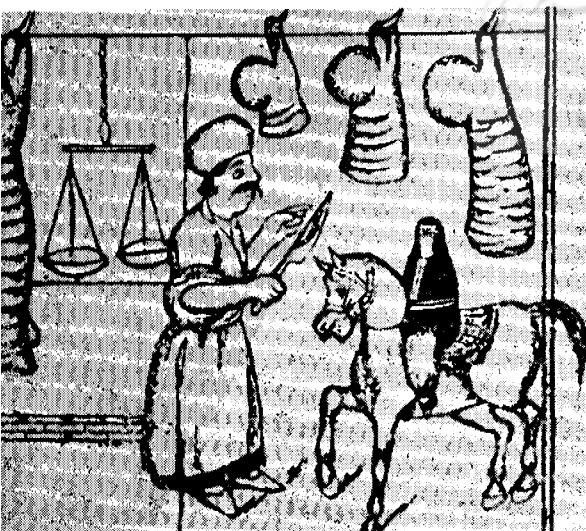
۱۷ - خاله سوسکه

۱۲ - اسکندر نامه

۱۴ - حمام کلثوم ننه

۱۶ - ورقا و گلشاه

۱۷



۱۶



۱۸



۱۹

۱۸ - قربانی کردن ابراهیم
۱۹ - موش و گربه
۲۰ - داستان روباه

استحمام هستند - ارزش جزوه دزد وقاضی (۱۲۹۸) در آنست که صحنه‌هایی از زندگی دهقانان را نشان میدهد. برخی از آنان قبا و شلوار کوتاه و بند جوراب در بردارند و برخی دیگر سرداری و شلوار بلند و مالاها نیز با قبای بلند و عمامه بزرگ نشان داده شده‌اند - نظیر این صحنه‌های روستائی در مجموعه داستانی بنام هفت کتاب نیز آمده است. در اینجا وضع دهقانی بدنبال گوسفندانش، آهنگر در کارگاهش، بدقت مشاهده شده - دو صحنه زیبای مراسم مذهبی که در نهایت سادگی بسیار گویا است و سبب شگرفی خاص این جزوه است یکی از آنها عیسی

در بردارد خود را در چادر سیاهی پوشانده است و بر چهره‌اش روینده بلندی دارد که تا زانو میرسد و تنها دوسوراخ مقابل چشمانش است و ارد دکان قصابی میشود در آنجا گوسفندان با دنبه‌های ضخیم آویخته‌اند. پس از آن نزد نانوا میرود که تونک‌های مختلفی پخته و روی پیشخوان گسترده است - در تاریخ حیدریبیک تنوع نقش‌ها جبران عدم مهارت در طراحی و چاپ آنرا میکند: زنان زیبا در جامه خانه که عبارت است از شلوارهای پرچین و پیراهن کوتاه بی‌حجاب سرگرم بزرگ هستند. زنان جزوه توبه نصح (۱۲۹۹) نیم برهنه در حال

می‌نوازند و آذوقه‌ای را که روی سرشان حمل میکنند به گربه نشان میدهند - در نسخه چاپ (۱۳۰۰) اشعار مکتبی مجنون را در بیابان در حالیکه ددان بدور او گرد آمده‌اند نشان میدهد. عدم مهارت در تصویرسازی در جزوه «داستان روباه» بیشتر بچشم می‌آید.

تمام این جزوه‌ها از نیمه دوم سده نوزدهم و در زمان ناصرالدین شاه است. و همه در کارگاه‌های تهران چاپ سنگی شده است. از بررسی آنها نتیجه میشود که گرچه این تصویرسازی با انتشارات مهمی آغاز شد که تنها بطور غیرمستقیم هنر عامیانه را نشان میدهد، ولی هرگز موفق به ایجاد يك شیوه مشخص نشد و بزودی راه انحطاط در پیش گرفت. در اواخر قرن نوزدهم دوران آن بکلی بسر رسید، مگر آنکه چند تصویری را که در چند سالنامه و روزنامه‌های فکاهی منتشر شده با آنها پیوست داد.

(نگاه کنید - ساکیسیان - کاریکاتور در هنر گرافیک ایران - بورلیگتن ماگازین - ژوئیه و اوت ۱۹۳۶ و سالنامه پاریس) ویا تصویرهای کتابهای درس مثلاً نخستین دوره فرآئدالادب در آن چند تصویر اروپائی که از میان آنها يك نقش Bertill که سابقاً در کتابهای مادام سگور Segur منتشر شده گنجانده‌اند.

این نقش سازی مختصر را چاپخانه نجات داد (سیاه و سفید و رنگی) که در ربع آخر قرن اقدام بتأسیس آن کردند.

نقش سازی دوباره بصورت شمایل‌های رنگی بزرگ ظاهر شد. تک‌تصویرهای خاندان حضرت محمد، امام‌های شیعه با چهره‌های نجیب و خصوصیات سامی، گرچه با فن غربی تهیه شده‌است ولی بی‌شبهت به سنت‌های تأیید شده مینیاتورهای قرن هشتم بعد نیست (نمونه پوپ - نقشه ۸۲۵) - گروه دیگری از آنها معجزات و مصائب ائمه را نشان میدهد - گروه دیگر کمبوزیسون وسیع‌تر داشته مثلاً جنگ کربلا را مجسم میسازد که در آن تصادم سواران احتضار مجروحین و زنان غمگین مجموع متأثرکننده‌ای را تشکیل میدهد، یا با سبکی که بهتر عامیانه نزدیکتر است مانند تابلو مصائب قتل حسین - پس از وقایع کربلا - این دو تصویر بسیار توصیفی است تابلو اول بسیار شبیه نقاشیهای دیواری امامزاده زید اصفهان است (قرن نهم هجری و نگاه کنید به مقاله یدآگدار در آثار ایران سال ۱۹۳۷، ص ۴۶ - ۳۴۵) سلاحهای جنگجویان و خود نوک‌تیز و زره آنها شبیه تصویر ۳ - از هزارویکشب است. در مجلس دوم نیز همین سلاحها و وسائل بچشم میخورد بعلاوه یادآور مصائب جهنمی که نویسنده کتاب ارتک و ویراژ، حکایت درباره سفر بماوراء آورده میباشد - این دو تصویر از هزاران شاهدهی است که نشان میدهد نبوغ و استعداد ایرانی، مضمون و الهامات خود را پیوسته تجدید و متنوع‌تر کرده است.



۲۰

را در حال تفکر بر روی يك جمجمه و برابر تابوت باز نشان میدهد و دیگری ملائکه‌ای است که دست ابراهیم را میگیرد تا پسرش را قربانی نکند و بره را با نشان میدهد (تصویر ۱۸). در جزوه بنام «سرگیاها معطر» جنبه دیگری از تصویرسازی ارائه شده است - این جزوه شرح منظوم گلها است (۱۳۰۰). طرحهای زیبای گلها نفوذ اروپا را نشان میدهد و شاید مجموع آن از کارهای غربی اقتباس شده باشد.

در این نقش سازی حیوانات سهم محدودی دارند - اگر اهمیت داستانهای حیوانات در ایران را در نظر آوریم علاوه بر اینکه طراحان ایرانی استعدادی از سبک و شگرفی ساختن صورت اشخاص نشان داده‌اند در مورد حیوانات کار آنها بیجانانه بوده‌است - سه جزوه کوچک این مدعا را ثابت میکند: در دو نسخه (۱۲۹۷ و ۱۳۰۰) اشعار موش و گربه عبید زاکانی بزرگترین شاعر هجوگوی قرن پانزدهم میلادی ایران موش بدربار می‌نشیند و سپس بر اسب خود سوار شده و بجنگ میرود - موشان شیور